

ننگ و نفر تبر هیئت حاکمه مز دور، عامل فاجعه خونین دانشگاه

نشریه

پیام دانشجویان

ارگان کمیته دانشجویان دانشگاه تهران
وابسته به جبهه ملی ایران

سه شنبه اول اسفند ۱۳۴۰ - تک شماره ۴ ریال

سلام باستانان دانشگاه که شرافتمندانه بمقاومت در برابر تجاوزات هیات حاکمه برخاستند

اعلامیه دانشگاه

امروز اول بهمن ماه ساعت یازده و ربع عده‌ای نظامی بدون آنکه انقافى مداخله آنانرا ایجاب نماید بمحوطه دانشگاه وارد شده و جمعی از دانشجویان را مشروب و مجروح ساختند.
دانشگاه نسبت باین عمل رسماً اعتراض و تقاضای رسیدگی و تعقیب مرتکبین و مجازات آنانرا ازدولت

نموده است. مادامیکه نتیجه رسیدگی بدانشگاه اعلام نشود اینجانب و روسای دانشکده‌ها از ادامه خدمت در دانشگاه معذور خواهیم بود.

رئیس دانشگاه تهران دکتر فرهاد اعلامیه فوق‌الذکر روز اول بهمن ماه شورای دانشگاه انتشار داد و یکبارہ با این اقدام شجاعانه نقشه‌های مزورانه هیئت حاکمه فاسدرا درهم ریخت و نشان داد که چگونه بدون آنکه هیچ اتفاقی هجوم و حشیانه نظامیان رابدانشگاه ایجاب نماید بدرون دانشگاه هجوم برده‌اند و نیز نشان داد که دانشجویان دانشگاه فقط درمقابل هیئت حاکمه فاسد قرار دارند و افسانه بقیه در صفحه ۲

دیگتاتورها! سرانجام دانشگاه بدون قید و شرط باز خواهد شد و رسوائی بر شما خواهد ماند

روزیگشته اول بهمن ماه یکبار دیگر نیروهای ارتجاع بدانشگاه هجوم آوردند و چنگیزوار خانه علم و فضیلت را مورد تهاجم و حشیانه خود قرار داده و دانشجویان بی سلاح را که مثل همیشه در نهایت نظم و آرامش باعمال ننکین حکومت غیرقانونی امینی اعتراض مینمودند با کلوله و سرنیزه و قنداق تفنگ بخون کشیدند.
جنایات و وحشیگری‌هایی را که نیروهای انتظامی در دانشگاه مرتکب شدند چنان نفرت-انگیز و شرم‌آور بود که بینندگان جریان واقعه بسختی میتوانند آنچه را دیده‌اند باور کنند و بحقیقت لغات و وحشیگری و جنایت کافی برای بیان آنچه هیئت حاکمه فاسد و وابسته باستعمار در دانشگاه انجام داد کافی نیست نسل ارزنده ملت ما را برای ادامه حکومت جا برانه و ننکین خویش جلوی سرنیزه دهبوی رحمانه باچکمه‌های خونین خود از روی سرهار سینه‌های عزیزان میهن ما گذشتند و بدنیاال این جنایات شرم‌آور دانشگاه خانه امید ملت را تعطیل نمودند و سرنوشت ۱۲ هزار دانشجو را که چشم و چراغ این ملت مصیبت زده هستند وسیله هوی و هوسهای خویش ساختند،
بقیه در صفحه ۳

یادی از لومبای بزرگ

یک سال قبل در یکی از این روزها پاتریس لومبا رهبر تسلیم ناپذیر کنکو، فرزند قهرمان ملت اسیر افریقا وسیله جلادان استعمار ربوده شد و در قلب جنگلهای سیاه بقتل رسید.
جلادان بادستهای خونین به لانه‌های خود باز گشتند و چنین تصور کردند که کار مبارزه ملت اسیر وغارت شده کنکو با مرگ رهبر صدیق و خردمندشان پایان میرسد.
بقیه در صفحه ۲

فاجعه روز اول

بهمن ماه - قشون چنگیزی در دانشگاه

روزیگ شنبه اول بهمن ماه بدعوت کمیته دانشگاه وابسته بجبهه ملی برای اعتراض باعمال خلاف قانون دولت غیرقانونی امینی و هیئت حاکمه و تعطیل مشروطیت و استبداد موجود و نیز اخراج دانش آموزان وطن دوست و حق طلب تهران از
بقیه در صفحه ۴

خلاصه‌ای از اعلامیه سازمانهای جبهه ملی در دو هفته گذشته دانشگاه حکومت‌های غیر قانونی را تحمل نمیکنند

..... روز یکشنبه اول بهمن روز افتخار و شرف برای دانشگاه و روز ننگ و نفرت برای هیئت حاکمه بود. در آنروز دانشجویان بخاطر آنکه یکبار دیگر آوای آزاد بخوانی خود را بکوش جهانیان برسانند و نیز بخاطر رسوا ساختن حکومت فرمایشی امینی که با تعطیل مجلس و بتاخیر انداختن انتخابات و زیر پا نهادن قانون اساسی حیثیت ملت ایران را پایمال کرده است و به منظور اعتراض بعمل غیرقانونی
بقیه در صفحه ۴

دولت مدعی مبارزه با بیسوادی، ضرب و جرح و قتل دانشجویان و تعطیل دانشگاه را چگونه جواب میدهد؟

تهران، شهر نظامی

بعد از اشغال و حشیانه دانشگاه موج اعتراض سرتاسر تهران را فرا گرفت. تهران وضع بی سابقه‌ای را پیدا کرده بود، خیابانها مثل يك شهر اشغالی پر از کامیونهای سرباز و چتر باز و دژبان و پلیس مسلح شده بود و نیروهای مسلح درحالی که قنداق تفنگ و سرنیزه بدست آماده حمله بمردم بودند تهران را زیر نظر گرفته بودند.

در چنین وضعی بادعوت جبهه ملی ایران مردم تهران با اقدام و حشیانه دولت نسبت بدانشگاه در روز سه شنبه ۳ بهمن ماه اعتراض نموده و بازاربان بازار تهران را بستند و دانش آموزان تهران يك پارچه به
بقیه در صفحه ۲

پشتیبانی دانشگاه‌های شهر ستانها از دانشگاه تهران

پس از یورش و حشیانه یکم بهمن بدانشگاه تهران، در شهرستانهای مختلف دانشجویان بهمراهی سایر مردم دست بتظاهرات زده و بروش هیئت حاکمه اعتراض نمودند که ماحلاصه‌ای از جریان ام. را در زیر به نظر خوانندگان میرسانیم.
دانشگاه شیراز

دانشجویان دانشگاه شیراز بعنوان اعتراض باعمال ننکین و غیر انسانی دولت توسط نیروهای مسلح ارتش بدانشگاه، همصدا با سایر دانشجویان ایرانی
بقیه در صفحه ۲

آقای مطلع و کم‌دی اولیاء دانشجویان

در حدود دو ماه قبل وقتیکه دانشجویان دانشگاه تهران سرگرم تدارک برای برگزاری سالروز شهدای دانشگاه و بزرگداشت روز ۱۶ آذر بودند ناگهان در يك روز يك ساعت و يك دقیقه
بقیه در صفحه ۳

انتخاب به رهبران زندانی جبهه ملی ایران

دست باعصاب و اعتراض وسیع زدند و ضمن آن خواستار باز نمودن مجدد دانشگاه و دستگیری و مجازات مسببین فاجعه روز اول بهمن دانشگاه شدند در این جریانات پلیس شدت بدخالت پرداخته و دانشجویان را بشدت مجروح و مضروب نموده عوامل دولت غیر قانونی امینی دانشگاه شیراز را بسته و عده زیادی از دانشجویان را توقیف نمودند.

درین توقیف شدگان آقای دکتر شریعتمداری استاد دانشگاه شیراز را میتوان نام برد. هنوز تا آنجا که ما اطلاع داریم تفتیقات بر دانشجویان دانشگاه شیراز ادامه دارد و دانشگاه شیراز نیز بسته است.

دانشگاه تبریز

دانشجویان دانشگاه تبریز بعنوان اعتراض علیه حکومت استبدادی امینی دست باعصاب و اعتصاب زدند و در خیابانهای تبریز تظاهرات وسیعی نمودند و طی آن خواستار تعقیب مسببین فاجعه دانشگاه و باز نمودن مجدد دانشگاه تهران شدند. و طی تلگراف از مقامات قضائی کل کشور خواستار شدند که در حالیکه مرجع قوه مقننه تعطیل شده و قوه مجریه در کار های قوه مقننه دخالت میکند رسیدگی نماید. و طی همان تلگراف خواستار تعقیب و مجازات مسببین فاجعه اول بهمن و شروع انتخابات گردیدند.

پلیس در خیابانها شدت بدانشجویان حمله نموده و عده زیادی را زخمی و عده ای را توقیف میکند. دانشگاه تبریز هم بدستور دولت غیر قانونی امینی بسته شد.

در حال حاضر عده زیادی از دانشجویان در زندانهای پلیس بسر میبرند.

دانشگاه مشهد

دانشجویان دانشگاه مشهد در این مبارزه ملی علیه استبداد شرکت جسته و بعنوان اعتراض علیه دستگاه استبدادی و اعمال ننگین هیئت حاکمه در روز اول بهمن اعتصاب نموده و خواستار ایجاد حکومت قانونی و مجازات مسببین واقعه اول بهمن دانشگاه و باز نمودن مجدد دانشگاه تهران شدند.

در مشهد نیز دولت اعتراضات قانونی دانشجویان را با مجروح و مضروب و بزدان کشیدن آنها پاسخ داد و دانشگاه مشهد را تعطیل نمود.

بدنبال این تظاهرات عده زیادی دانشجویان و عده ای از مردم مبارز مشهد از جمله آقایان حسنعلی صارم کلانی و شریعتی اعضای کمیته جنبه ملی دستگیر و زندانی گردیدند.

دانشگاه اصفهان

دانشجویان مبارز دانشگاه اصفهان بعد از فاجعه مصیبت بار دانشگاه تهران بعنوان اعتراض علیه دولت ضد ملی امینی و هیئت حاکمه فاسد دست باعصاب زده و دانشگاه اصفهان را سیاه پوش نمودند ولی برنامه استعماری دولت در اصفهان هم اجرا شد و پس از حمله بدانشجویان و مضروب و مجروح نمودن آنها توسط پلیس و توقیف عده زیادی از آنها دانشگاه اصفهان را هم تعطیل نمودند.

در تظاهرات اصفهان عده زیادی از مردم هم شرکت جسته و آقای احمد قیصری عضو کمیته ایالتی جنبه ملی شهرستان اصفهان توسط نیروهای پلیس دولت غیر قانونی امینی توقیف گردیدند.

دانشگاه اهواز

در اهواز نیز دانشجویان دانشکده پزشکی و کشاورزی علیه اقدامات ننگین هیئت حاکمه با اعتراض دست زدند و در روز ۵ شنبه ۵ بهمن دانشگاه را تعطیل نمودند و ضمن قطعنامه ای خواستار باز شدن بدون

وضع ارتش ایران خوبست و به آسانی می تواند با مردم غیر نظامی ایران مصاف دهد
گفته يك ارتشبد ایرانی
نقل از مجله نیشن چاپ آمریکا
فاجعه يكم بهمن دانشگاه صحت این پیش بینی را تأیید کرد

بقیه پادی از لومومبا

البته واقعیت مرك لومومبا برای کسانی که میکوشند تا قاره افریقا را از قید ستم استعماررهای بخشند بسی تلخ و ناگوار است زیرا لومومبا برای مردمش سلاحی برنده و جلالدار بود، سلاحی که هرگز زنگی بر آن نشست، سلاحی که از برق آن استعمار بسختی به هراس میافتاد و بالاخره سلاحی که کاملاً متناسب با احتیاج ملت های اسیر بوجود آمده بود.

اما بحکم تاریخ تاثیر مرك لومومبا چون شهادت قهرمانان دیگر سیر منفی نکرد بلکه همانطور که دیدیم اثر آن در جهت فزونی خشم استعمار سوز مردم و در نتیجه تحريك هر چه بیشتر ملل افریقا در طرد استعمارگران بود.

امروز لومومبا همانند شبه ایست که سراسر افریقا را فرا گرفته. همانند حماسه ایست که رزندگان به هنگام رزم میسرایند و از آن دلیری بارمغان میکینند فریاد لومومبا... لومومبا... طنین انداز جنگل های کنگوست و سرود لومومبا سرود سیاهان کنگو و بالاخره لومومبا امروز دیگر فقط متعلق بملل افریقا نیست، امروز او به همه زنان و مردانی متعلق است که در سراسر جهان علیه استعمارگران میجنگند.

پانزیس لومومبا قربانی خشم دست نشانندگان استعمار چندین سال پیشایش مردم کنگو در راه آزادی و استقلال میهن خود جنگید. زندگی او سرود جاودانی است که بر تاریخ کنگو نقش بسته و بر لبهای آزاد یخواهان این سرزمین زمزمه می شود.

لومومبا در خرداد ۳۹ پس از مدتی مبارزه نخست وزیر کنگو شد و در حضور پادشاه بلژیک شجاعانه با استعمار حمله کرد. در ماه های تیر و مرداد به واشنگتن تالند و تونس سفر کرد و طی همین مسافرت های طرفی ملت کنگو را بجهانیان اعلام داشت و خاطر نشان ساخت که در هیچیک از گروه بندی های سیاسی شرکت نخواهد کرد.

در ۱۸ مهر ماه ۳۹ کا ز او بورژیس جمهوری کنگو پس از انحلال مجلس فرمان بازداشت او را صادر کرد و بدین ترتیب دوران حکومت لومومبا بسر آمد و دشمنان او به هدف دیرینه خود نزدیک شدند. ۲۰ روز بعد بقصد رفتن به استنالی ویل مرکز استان هوادانش از زندان گریخت ولی در کازای بدست سربازان موبوتو اسیر شد و پس از تحمل شکنجه های بسیار باغل و زنجیر وارد لئوپولدویل گشت. یکماه بدسرهنگ موبوتو او را به دولت چومبه در کاتانگا فروخت و در همانجا بود که با طوطیه بلژیکیها بقتل رسید.

خبر مرك این قهرمان بزرگ و آزادیخواه در ۲۱ بهمن منتشر شد و قلب میلیونها انسان را آندوهگین و متأثر ساخت. مرك لومومبا نه تنها نام و هدف او را از یاد نبرد بلکه بر گروه یارانش افزود و گامهای آنها را در راه رسیدن به آرزوهای بزرگش مصمم تر و استوارتر نمود.

قیدو شرط دانشگاه تهران. تعقیب محرکین حمله بدانشگاه و اجرای خواسته های دانشجویان دانشگاه گردیدند.

در روز شنبه ۲ بهمن نیز دانش آموزان دبیرستان های اهواز علیه دولت غیر قانونی امینی بتظاهرات شدیدی دست زدند و خواستار باز شدن مجدد دانشگاه تهران گردیدند.

بقیه قهر آن و شهر

حالت اعتراض مدارس را تعطیل نموده و همراه سایر طبقات در خیابانهای تهران تظاهرات وسیعی بر علیه دولت غیر ملی غیر قانونی امینی انجام دادند و در همه تظاهرات شعارهای «مصدق پیروز است» «محصل پیروز است» و «جنبه ملی پیروز است» و «استبداد محکوم است» بگوش می رسید

نیروهای مسلح نظامی باشندین ترین وجهی مردم بی پناه تهران را تنها بخاطر اینکه نسبت به عمل غیر انسانی دولت اعتراض داشتند مورد حمله و ضرب و جرح قرار دادند و در این تظاهرات بود که مهدی کلهر دانش آموز دبیرستان علمیه بدست پلیس بقتل رسید مردم رادسته دسته دستگیر و بسوی بازداشتگاههای مختلف از جمله قزل قلعه «باستیل ایران» روانه می ساختند.

این اعتراضات بیایی تا هشت روز ادامه یافت و در این مدت تهران بصورت يك شهر نظامی درآمد بود. در هر خیابانی بیش از سی کامیون سرباز و چتر باز و در بان مسلح قرار گرفته و هرا اعتراضی را با سرنیزه پاسخ می دادند ولی مردم شجاع و قهرمان تهران در جلوی سرنیزه های نظامی های دستگاه و با وجود سیاه چالهای قزل قلعه حاضر نبودند در مقابل این همه بی دادگری و جنایت سکوت کنند این اعتراضات وسیع نشان داد که تا چه حد مردم حکومت این جنایت کاران را محکوم میدانند و چطور در سخت ترین شرایط بدعوت جنبه ملی ایران از آزادی دفاع میکنند و بسمت تجاوزین حقوق خود اعتراض می نمایند

بقیه اسلام باستان دان

های اختلافی استاد ودانشجو نقش مزورانه دیگری است از آن ها که می خواهند مبارزه نسل جوان مملکت را با هیئت حاکمه بصورت اختلافی استاد ودانشجو، دبیر و دانش آموز و از این قبیل نمایش دهند و ما چنانکه در متینک عظیم ۱۶ آذر در دانشگاه هم اعلام کرده ایم باستان دان شرافتمند خود احترام قائلم و اعمال شجاعانه و میهن پرستانه آن ها را می ستائیم.

مدتها بود که دستگاه در پی فرصتی بود که نا کهان بعلمت یورش بیاورد و بعد از عقیم ماندن چند توطئه بالاخره روز اول بهمن بدانشگاه تاخت و آنجا را بخون کشید.

در این حال شورای دانشگاه بعنوان اعتراض با اعمال ننگین هیئت حاکمه استغفاء کرد و گزارش از مشاهدات خود در روز یکشنبه ۱ بهمن را برای دولت نوشت. ولی دولت غیر قانونی امینی دستگاه های تبلیغاتی کشور را و ادار ساخت که هر روز دروغی در باره استادان و شورای دانش گاه بنویسند و باین ترتیب روزی آن ها را معزول خواندند و روز دیگر گفتند استعفا را پس گرفتند.

ولی استادان شرافتمند ماه چنان در مقابل این توطئه ها و مشیقه ها استقامت نمودند چون می دانستند از پشتیبانی شاگردان خویش برخوردارند و در فاصله این مدت دسته های مختلف دانشجویان برای اظهار تشکر و پشتیبانی از روش قاطع و انسانی رئیس باقیه در صفحه ۳

بقیه دیگتاورها

روز یکشنبه در یک طرف جریان اراده شکست ناپذیر و تصمیم قاطع نسل جوان مافزار داشت که در برابر پلیس و چتر باز تسلیم نمیشد و طرف دیگر جریان چهره حقیقی و بدون ماسک هیئت حاکمه نشکین فرار گرفته بود که با قدرت بمیدان آمده بود. و این حقیقت تاریخ باز تکرار میشد که ارتجاع و استعمار همیشه در برابر اراده ملت‌ها با آخرین سلاح و وحشیانه‌ترین وجه جلو می‌آیند و هر چه در چنته دارند بیرون میکشند ولی آخرین سلاح هنگامی بمیدان می‌آید که امیدها برای همیشه بیاس تبدیل شده باشد و این خود دلیلی است که ملت استوار و شکست ناپذیر پیش برود.

شاید فقط چشمهای کور هیئت حاکمه ندید که نسل جوان ما، نسلی که تاریخ فردای مملکت ما را میسازد تصمیم نهائی خود را گرفته و با عزمی راسخ راه خود را میروید و جز با گذشتن از اجساد آنها هیچ قدرتی نمیتواند آنها را شکست دهد.

جنایات و وحشیگری‌های هیئت حاکمه در روز یکشنبه حاکی از توطئه‌های عمیقی بود که از ابتدای سال تحصیلی برای دانشکده و دانش آموزان و روی مرفقه ملت ایران طرح شده بود.

میتینگ دانشجویان در داخل دانشکاه تازه نداشت و اعلامیه رسمی شورای دانشکاه هم صریحا بیان میداشت که هیچ اتفافی مداخله نظامی‌ها را ایجاب نمی‌نمود و با این وصف هجوم مغول‌وار نظامی‌های هیئت حاکمه فقط بقطب با یک توطئه قبلی طرح ریزی شده بود و با این ترتیب میخواستند از دانشکاه انتقام بگیرند و بخیال خود دانشجویان را مغلوب و مرعوب و ناچار تسلیم قانون شکنی‌های خود کنند. و تبلیغات بی‌شمارانه‌ای که بعد از بستن دانشکاه براه انداختند که ملاکین بزرگ یا توده‌ایها و یا این اوآخر معجونی از این دو باعث تحریک دانشجویان شده اند تلاش مذبوحانه‌ای بود که برای پوشاندن جنایات خود از نظر مردم صورت می‌دادند و می‌خواستند اعتراض مسالمت آمیز دانشجویان علیه قانون شکنی‌های هیئت حاکمه و دولت غیرقانونی و مزدور امینی را واژگونه جلوه دهند. مگر این بار اول بود که دانشجویان علیه اقدامات خلاف قانون امینی و هیئت حاکمه اعتراض می‌کردند و نیز آنها دلیلی قاطع تر از اعلامیه رسمی شورای دانشکاه داشتند که حاکی از بی‌نظمی و آشوب دانشجویان می‌بود.

اینجا باید بصراحت بگوئیم که مسئول مستقیم جنایات حاکمه فاسد در قاجعه روز اول بهمن شخص دکتر امینی بعنوان زمامدار وقت است و عنوان کردن مبتذلانی در ردیف سخنرانیهای سابقش و از این شاخ بآن شاخ پریدن و آسمان و ریسمان بافتن و باستاد و دانشجو دروغ بستن و تهمت زدن نمی‌توان زرمای از مسئولیت جنایات وحشتناک او را بکاهد.

اگر راست می‌گویند و نمی‌خواهد موضوع را مثل قتل دکتر خانعلی که قاتل در دولت او بجای محاکمه و مجازات درجه هم گرفت ماست مالی کند و بخیال خود سرپوشی با این صحبت‌های مزخرف جنایات بی‌شمارانه دستگاهی که خود هم جزء آنهاست بگذارد بیاید و بنام و بصراحت مسئولین امر را معرفی نماید.

آقای امینی شما اگر تصور می‌کنید با پروتئو و مزخرف پردازی و دراز گوئی می‌شود بر ملت کلاه گذارد و هر روز جنایتی تازه نمود و با هوچیگری حقیقت را قلب جلوه داد سخت در اشتباهید. آقای امینی واقعا اگر تصور می‌کنید که می‌توانید دانشجویان را لال کنید که همیشه حرفی نزنند و اعتراضی نکنند و شما بکارهای خلاف قانون خودتان ادامه دهید بسیار احمقانه فکر کرده‌اید و در این فکر آنقدر پیروزی نصیب شما خواهد بود که نصیب مندرسه‌ها. و در اینجا قید و شرطی که برای باز کردن مجدد دانشکاه عنوان می‌کنید جز نمایش مسخره‌ای جهت کش دادن تعطیل دانشکاه نیست و خوب میدانید که مسئله دانشکاه جزئی از مساله مملکت است و نمی‌شود در حالیکه مساله مملکت را چون کلاف سردرگمی نگاه داشته‌اید مساله دانشکاه را حل کنید. دانشجو وقتی اعتراض نمی‌کند که چیزی برای اعتراض او باقی نگذارید. شما می‌خواهید هم بحکومت غیر قانونی و اعمال نشکین خود ادامه دهید و هم دانشکاه بدون اعتراض بعد از این همه جنایات شما باز شود.

آخر مگر دانشجویان آدم‌های کیچی هستند و یا مثل شما آدم کوکی هستند که آلت دست شما کردند. که یکروز وحشیانه بخانه آنها بریزید و اعمالی انجام دهید که هیچ شخصی که بوئی از انسانیت و ایشرف و وجدان برده باشد انجام نمی‌دهد و فردای آنروز مثل بچه مودب سر کلاسهای خراب و آزمایشگاههای شکسته و کتابخانه‌های زیر و رو شده بروند و در صورتیکه استادان و همکلاسانشان در سیاه چالهای دستکاه فریاد شهادت بجان شماها دعا کنند. زهی بی‌وجدانی و زهی بی‌شرفی.

شما در یکی از هزارها مزخرف گوئی خودتان گفته‌اید که دانشجویان همه‌اش از سیاست حرف می‌زنند. اگر باین امید نشسته‌اید که وقتی دانشجویان سیاست را فراموش کردند در دب دانشکاه را باز کنید و گرنه بخیال خودتان وضع را بانظامیگری باین صورت نگاه دارید جلوتر از روزی که نسل جوان مالاشه نشکین شما دستگاهی را که بآن وابسته‌اید از مملکت بیرون بیاندازد دانشکاه باز نخواهد شد.

آقای دکتر امینی بستن دانشکاه کار ساده‌ای نیست جنایت است و شما هرگز این‌لکه ننگ را نمی‌توانید از دامن خود پاک کنید شما از نظر ملت ما محکومید همانطور که این عمل را که برای سرسپردگی به بیگانه و انجام آنچه استعمارگران می‌خواهند چنین جنایاتی را انجام می‌دهند و دانشکاه را تعطیل می‌کنند هرگز نخواهد بخشید و این را از بداند که خواه ناخواه اراده ملت ما پیروز می‌شود و شما مجبورید تسلیم اراده ملت شوید و آنوقت مردم شما سرسپردگانی را که اعتراض جوانان بی‌پناهی را با کلبه و سر نیزه پاسخ می‌دهید بس هولناک کیفر می‌دهد. دیگتاورها، مقاومت مذبوحانه شما در مقابل اراده ملت بقیامت سنگینتری از جان و مال مردم مآتمام می‌شود تفاوت کافی است و بررحمی بس است. باراده ملت تسلیم شوید. دیگتاورها مجبورید دانشکاه، خانه امید ملت را بدون وقفه و شرط باز کنید. این نسل جوان نخواهد بود که تسلیم قانون شکنی‌های شما شود بلکه این شما خواهید بود که لگد کوب فهرمانان نسل جوان بهمن ما خواهید شد.

بقیه آقای مطلع و گمدی

روزنامه کثیرالانتشار عصر و فلیل‌الانتشار صبح بنشر مطالبی یک رنگ از طرف صنوف مختلف از جمله صنف رمال-صنف بامیه فروش و... پرداختند. هیات حاکمه که از پی گیری دانشجویان در مبارزه بخاطر آزادی و استقلال بجان آمده و زخمهای سنگینی برداشته است خواست تا با ایثار یکمشت ناسزا و تهمت بسدانش-جویان مرهمی بر دل ریش خود گذارد بنابراین از هم آهنکی مغز هیات حاکمه و قلم آقای «مطلع» بنام صنوف فوق‌الذکر مطالبی منتشر شد که همه دیدیم و احتیاجی بتوضیح نیست.

اما این بار یعنی بعد از حادثه دانشکاه و اشغال ظفر نمون! آن وسیله واحد نیرومند چتر باز و در هم شکستن همه مواضع خطرناک آن یعنی لابوراتوارها کارگاههای فنی-کتابخانه‌ها و... آقای «مطلع» دستپاچه سراغ «اولیاء» دانشجویان رفت و از آنها برای توجیه پیروزی بزرگ! واحد چتر باز کهک خواست اینبار چون افق تاریک و اوضاع خیلی خراب بود آقای «مطلع» تصمیم گرفت بغیر از فعالیت‌های «قلمی» بکوششهای علمی بپردازد بنابراین سراسیمه سراغ ۲۸ هزار «اولیاء» دانشجویان رفت و از آنها خواست که حضور آقای نخست وزیر شرفیاب شوند و از اعمال فرزندان ناخلف خود پوزش بخواهند و ضمن آن تقاضای افتتاح دانشکاه را بنمایند.

همه کارها درست شد، اولیاء دانشجویان هم قبول کردند بروند و در حضور نخست وزیر محبوبشان بفرزندان خود خائن و وطن فروش هم بگویند اما یک اشتباه کوچک رخ داد و آنهم بعلمت دستپاچگی آقای «مطلع» بود و متاسفانه اطلاعات وسیع آقای نخست وزیر هم نتوانست آنها را اصلاح می‌نماید.

ماذیلا آنها برای همه فاتحین! دانشکاه اصلاح میکنیم. برای دانشجویان لغت «اولیاء» را بکار بردن اشتباه است زیرا حد متوسط سن در دانشکاه تهران ۲۳ سال است و هیچ آدم عاقل و با سوادى برای يك انسان ۲۳ ساله «ولی» قائل نمی‌شود زیرا سازندگان گمدی «اولیاء دانشجویان» یا از شرع مقدس اسلام پیروی می‌کنند یا از قانون مدنی ایران بردو حال انسان ۲۳ ساله را عاقل و ذی شعور معرفی کرده و آنها بسی نیاز از «ولی» می‌داند (میزان تحصیلات را هم در نظر نمی‌گیریم) اما چه می‌شود کرد که هیات حاکمه ایران و گردانندگان آن نه بحقوق اسلامی معتقدند نه بحقوق مدنی ایران. و نه این حقیقت مسلم را می‌خواهند بپذیرند که اکثریت قاطع دانشجویان از لحاظ میزان معلومات و رشد اجتماعی از پدران و مادران خود جلوتر هستند و نیاز براهنمائی در امور سیاسی و اجتماعی ندارند.

بقیه استادان

دانشکاه جناب آقای دکتر فرهادی حضور ایشان رفتند و در ضمن بیان خواسته‌های خویش از استقامت استادان خود قدردانی و سپاسگزاری کردند و اظهار داشتند که روش استادان ما و استقامت ایشان در این وضع خطیر و در حالی که سازمان امنیت و پلیس از همه جانب بر ایشان بطور غیرقانونی فشار می‌آورد و هر روز بنام و از طرف ایشان در روزنامه هادروغ می‌نویسند و اعلامیه صادر می‌کند.

بسیار قاطع و انسانی و از روی واقع بینی و در خوریک استاد دانشکاه بوده است.

بقیه خلاصه از اعلامیه

درخشش وزیر کابینه امینی بر اخراج ۱۴ نفر از دانش آموزان مبارز دبیرستانهای دارالفنون و مروی (بجرم میهن پرستی!!) و ایجاد تضيیقات در امر تحصیل دانشجویان دانشسرای عالی بفرمان کمیته دانشجویان دانشگاه وابسته بجهت ملی اعتصاب کردند ولی از آنجائیکه مبارزات پیگیر جوانان پرشور دانشگاه چون خاری چشم هیئت حاکمه دون صفت را آزار میدهد این بار نیروها، زمین و هوایی را همانند لشکر چنگیز بدانسگاه یورش دادند ... مسخره است که هیئت حاکمه برای ادامه سلطه جابرانه خود جبهه ملی ایران را که برای احیاء مشروطیت واعاده حکومت بملت با پشتیبانی همه مردم شرافتمند این سرزمین بمبارزه برخاسته است یکرروز توده ای وروز دگر مخالف اصلاحات ارضی و سپس معجونی از ایندو معرفی میکند در حالیکه جبهه ملی نه تنها با اصلاحات ارضی که در کشور انجام شود مخالفتی ندارد بلکه قیام آن برای سرانجام نیک و سامان دادن به بیسر و سامانیهای اوضاع میهن است . جبهه ملی مالکیت بزرگ را یکی از موارد بی سر و سامانی میدانند و بهیچوجه نمیتوانند با مالکین حریص که بکشاورزان بجای نان ضربه شلاق تحویل میدهند سازشی داشته باشد

ما بنام ملت ایران اعمال ننگین دولت غیر قانونی امینی را محکوم میکنیم... و تا پیروزی نهائی از بیکار دست نمی کشیم .

«قسمتی از اعلامیه کمیته دانشجویان دانشگاه تهران وابسته بجبهه ملی ایران مورخ ۱۱/۱۱/۴۰»

دانش آموزان تضيیقات هیئت حاکمه را تحمل نخواهند کرد

.... هیئت حاکمه باید بدانند اگر دست از این توطئه ها برندارد و قاتل حقیقی دوست شهید مارا مجازات ننماید و دوستان زندانی مارا آزاد نکند و از اخراج دانش آموزان و تجدید نام نویسی در دبیرستان علمیه و انتقال معلمین شرافتمند خودداری ننماید با مقاومت شدید تر کلیه دانش آموزان روبرو خواهد شد.

و ما هم اکنون اعلام میکنیم که مسئولیت هر واقعه ای که اتفاق افتد متوجه همان عوامل مزدوری است که مذبحخانه تضيیقات فوق را برای جلوگیری از مبارزه حق طلبانه برادران ما ایجاد میکنند ...

«قسمتی از اعلامیه دانش آموزان عضو سازمان جوانان جبهه ملی ایران»

واژگون باد حکومت جور و ستم

..... دستگاهی که پسر و دختر دانشجورا در محیط دانشگاه بدون سلاح و دفاع بگلوله بسته و آنها را با سرنیزه و دیگر سلاحها در کلاسهای

بقیه فاجعه روز اول

دبیرستانها بدستور وزیر غیر قانونی فرهنگ و مضیقه گذاشتن دانشجویان دانشسرای عالی در امور تحصیلی دانشگاه تهران اعتصاب نموده و در کمال نظم و آرامش مثل همیشه در محوطه دانشگاه میتینگی برپا نموده و اعلام داشتند که جهت اعتراض بوزیر غیر قانونی فرهنگ به طرف وزارت فرهنگ خواهند رفت ولی همان پجبه های خونینی که در ۱۶ آذر ۳۲ دانشگاه رباخون سه تن از ارزنده ترین جوانان ما رنگین نموده بود . این بار نیز در مقابل اعتراض قانونی دانشجویان تساب نیاورد و طبق نقشه قبلی ما بدانسگاه هجوم آوردند. در این روز شوم از صبح زود کامیون های حامل نیروهای مسلح نظامی شامل چتر بازو سرباز کماندو و دربان همراهمیون های پلیس دور تا دور دانشگاه قرار گرفته و دانشگاه را در محاصره داشتند و همین محاصره عظیم نظامی خود موبد نقشه های قبلی دست های شومی بودند که میخواستند نقشه های خود را عملی سازند . این دست های شوم که بعدها هزار عنوان ولقب گرفت دست خونینی بجز دست جنایتکار هیئت حاکمه فاسد نبود و امینی هم بعنوان عضو این دستکاه و زمامدار وقت مسئولیت مستقیم راه بعهده داشت .

دانشجویان مانند همیشه در نهایت نظم و آرامش میتینگ برپا داشته بودند که ناگهان آرامش و نظم آنها را هجوم چنگیزوار نظامی های دانشگاه بهم ریخت و با کلوله و سرنیزه و تفنگ و باتون و بلاک جک (اسلحه جدیدی است که بر علیه کانکسترها بکار می برند) بداخل دانشگاه هجوم بردند و بدانسجویان بی پناه و بی سلاح و دانشگاه حمله نمودند . و با وحشیگری تمام سرو صورت و شکم دانشجویان را با سرنیزه باره نمودند. با کلوله و تفنگ تفنگ دختران و پسران دانشجویان را خونین و نقش زمین می ساختند و در دانشکده ها نیز بتعقیب دانشجویان پرداخته و کلاسی بکلاسی مغول وار دختران و پسران را با سرنیزه و تفنگ و کلوله مجروح و نقش زمین می نمودند. و در حین انجام این جنایات بویران نمودن انائیبه و ابنیه دانشکده ها

درس و پشت میز آزمایشگاهها ساعتها زجر و شکنجه میدهد و مجروحین را در حال بیهوشی و فریاد و فغان بچوب می بندد و ساعت و موجودی نقدی آنها را در این حال بغارت میبرد و مجروحین را از روی تخت بیمارستان کوچک دانشگاه به زیر لگد میاندازد و اکنون در مقام انتقامجویی از ملت برآمده و با وحشیگری بیشتری بادامه اینهمه تجاوزات ضد انسانی اصرار میورزد .

.... ملت ایران تا برانداختن حکومت ظلم و ستم از پای نخواهد نشست ...

«قسمتی از اعلامیه هیئت اجرائی جبهه ملی ایران بعد از فاجعه دانشگاه»

پرداخته و بداخل آزمایشگاهها، کتابخانه ریخته . هر چه بدستان میرسد از کتاب و میکروسکوپ لوازم آزمایشگاه گرفته تا میز و تخت و صندوق خورد میگردند. و با این ترتیب داروندار ملت فقیری را بتاراج میدادند.

نظامیها در دانشکده ها نه تنها بدانسجویان حمله می بردند بلکه استادان محترم دانشگاه و حتی کارمندان اداری کتابخانه ها و ادارات دانشکده ها را نیز همچون دانشجویان بی پناه بسختی با سرنیزه و تفنگ تفنگ مورد حمله و ضرب و جرح قرار میدادند. در دانشکده حقوق پس از این یورش خونین دانشجویان رابخط نموده و مجبور ساختند تا از میان صفی از نظامیها عبور نمایند و در طول صف بشدیدترین وجهی آنها را میزدند که خیلی ها در طول این صف بی جان بر زمین افتادند که کشان کشان آنها را بسوی کامیون های پلیس میبردند.

در باشگاه دانشگاه حتی دانشجویان خارجی را که در دانشگاه تهران تحصیل می کنند مورد ضرب و شتم و وحشیانه ای قرار دادند و در آخر کار ساعت و پول و سایر اشیاء دانشجویان را قاتحین بغنیمت با خود میبردند.

در گوشه و کنار دانشکده ها کیسوان دختران دانشجو را بدست گرفتند و روی زمین باین طرف و آنطرف میکشیدند. مناظر شرم آور و جنایت باری که در دانشگاه دیده میشد حتی در جنگ های بزرگ جهانی در هیچ کشور اشغال شده ای نظیر نداشت.

کف دانشکده ها و خیابانهای دانشکده ها از خون دانشجویان رنگین شده بود و در هر گوشه ای دانشجویی بحال اغماء افتاده بود و یا عده ای نظامی بسردختر یا پسری دانشجو افتاده بودند و وحشیانه بانکد و سرنیزه و هزار وسیله دیگر او را سوراخ سوراخ میکردند .

حقیقتا هیچکس نمی تواند این مناظر وحشتناک را حتی بنظر آورد ولی جنایاتی در روز اول بهمن صورت گرفت که از شنیدن آنها موی پسر تن انسان بلند میشود .

در واقع دانشگاه منظره میدان جنگ حقیقی را پیدا کرده بود و دانشجویانی که حال بهتری داشتند دوستان زخمی و در حال اغمای خود را بدوش میکرفتند و از مهلکه بدر میبردند و بطرف بیمارستانها روان میشدند .

نظامیها نیز یا با سرنیزه افراد را میزدند یا اشیاء را خورد میکردند و دانشجویان را با سارت میبردند .

هنوز میزان خساراتی که روز یکشنبه بدانسگاه وارد آمده معلوم نیست و از سرنوشت دهها دانشجو که روبه مرگ بودند خبری در دست نیست و فقط آینده میزان جنایات دستکاه جا بسر استبدادی را معلوم خواهد کرد .

چاپ جبهه ملی ایران

درود فر او ان بدانشجویان و دانش آموزان زندانی

سربازان فداکار جبهه ملی ایران